



در بنیاد ارتباطات به‌رمانندی از نظریه‌ها، روش علمی جهت تبیین مؤثر و موفق رسانه است. در راستای این ضرورت کتاب تحلیلی حاضر بر پایه نظریه‌ها و راهبردهای زبان‌شناسی در صدد است تا تجزیه و تحلیل داده‌های گفتارهای رادیویی را به‌صورت راهبردهای نسبتاً نوینی را جهت ارتباط مؤثر رسانه با مردم، یعنی حفظ و افزایش مخاطبان و تأثیرگذاری هر چه بیشتر ارائه نماید. تأکید بر ارتقاء دانش انتقادی به لحاظ نظری و مخاطب‌محوری در برنامه‌ها به لحاظ علمی و پایداری از زمان فارسی در مباحث کتاب نقش اساسی دارد. مطالعه این کتاب به

تحلیل گفتمان در رادیو

بررسی کتاب «تحلیل گفتمان‌های رادیو» تألیف دکتر فردوس آقاگل‌زاده

✦ مجید میرزایی

کارشناس ارشد تهیه‌کنندگی رادیو

محتوا مورد نظر نیست، اما این اشاره برای روشن‌تر شدن ابعاد تحلیل گفتمان ضروری می‌نماید. بنابراین به‌طور کلی منظور از تحلیل محتوا، بررسی برنامه رادیو از نظر کمیت و منظور از تحلیل گفتمان، بررسی برنامه از نظر کیفیت است.

تحلیل گفتمان‌های رادیو چه ضرورتی دارد؟

همان‌طور که آقاگل‌زاده در دیباچه کتاب خود آورده است، یکی از رسالت‌های رادیو به‌عنوان رسانه ملی، آموزش به‌منظور ارتقای سطح دانش عمومی و اصلاح رفتارهای فردی و اجتماعی است. از نگاه زبان‌شناسان، رسانه‌های جمعی از جمله رادیو همواره به‌عنوان مراجع معیارسازی، حفظ و گسترش

بسته است. این کتاب که دربرگیرنده ۱۰ مقاله پژوهشی است و برخی از ابعاد و اصول تحلیل گفتمان را پیش روی ما می‌گذارد، در اشاره‌های کلی، منظور از تحلیل گفتمان را بررسی و نقد متن، اعم از متن رادیویی، تلویزیونی، مطبوعات یا هر متن دیگر به لحاظ کیفیت می‌داند و منظور از کیفیت متن رادیویی را در نظر داشتن شیوه نگارش متن و همچنین اجرای آن به‌گونه‌ای می‌بیند تا ارتباط کامل با مخاطب، برقرار و تأثیر موردنظر، حاصل شود.

در مقایسه تحلیل محتوا با تحلیل گفتمان می‌توان به این نکته اشاره کرد که در تحلیل محتوا، بررسی عناصر کمی متن، موردنظر است؛ عناصری مانند تعداد، موضوع، زمان و مقوله‌های برنامه. البته در کتاب مذکور تحلیل

شاید برخی بپرسند، «تحلیل گفتمان» چیست و چه تفاوتی با «تحلیل محتوا» دارد؟ و یا اینکه تحلیل گفتمان به‌دنبال دستیابی به چه اهدافی است؟ اساساً تحلیل گفتمان چه ضرورتی دارد و چه تأثیراتی در محتوای برنامه‌های رادیویی دارد؟ و در آخر اینکه در تحلیل گفتمان‌های رادیویی چه عناصری را باید در نظر گرفت؟

کتاب **تحلیل گفتمان‌های رادیو** که دکتر فردوس آقاگل‌زاده بر پایه راهبردها و نظریه‌های زبان‌شناسی، در ۲۳۷ صفحه تألیف کرده و دفتر پژوهش‌های رادیو به‌تازگی آن را منتشر کرده است، در صدد پاسخگویی به پرسش‌های فوق و بسیاری از پرسش‌های احتمالی دیگری است که در زمینه تحلیل گفتمان در ذهن شما نقش

زبان ملی هر ملتی محسوب می‌شوند. بنابراین چگونگی کاربرد زبان به‌عنوان عامل ارتباط از سوی ایستگاه‌های رادیویی بسیار ضروری است.

شاید این پرسش به ذهن برخی خطور کند که مگر سهم رادیو در کنار انبوه رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی دیگر و نهادهای آموزشی مانند مدرسه، دانشگاه و گروه‌های اجتماعی در حفظ زبان ملی چقدر است که بتوان از طریق تحلیل گفتمان و دستیابی به الگوی صحیح گفتمان رادیو بر گفتمان جامعه تأثیر گذاشت؟ یا ممکن است پرسیده شود مگر هدف رادیو آموزش زبان است؟

گرچه مشخص کردن سهم دقیق رادیو در شکل‌دهی به زبان معیار یا زبان ملی تقریباً غیرممکن است، اما نقش آن به هیچ‌وجه قابل انکار نیست. این وضعیت برای سایر رسانه‌ها و مراجع مؤثر بر زبان نیز مصداق دارد. اتفاقاً همین مشخص نبودن سهم هر یک از مراجع از جمله رادیو در زبان معیار است که ضرورت توجه به آن را دوچندان می‌کند. اگر بپذیریم که رادیو رسانه فرهیختگان است، آنگاه توجه به زبان آن ضرورت بیشتری می‌یابد. بنابراین کوچکی یا بزرگی حجم مخاطب تعیین‌کننده نیست، بلکه نوع مخاطب است که تعیین‌کننده است.

در جامعه ما هنوز یک دیدگاه سنتی و عمومی درباره رادیو و تلویزیون وجود دارد و آن استناد به رادیو و تلویزیون در گفتمان‌های مختلف اجتماعی است. این ویژگی نیز خود دلیل دیگری بر ضرورت توجه به تحلیل گفتمان رادیوست.

اما آیا هدف رادیو، آموزش زبان است؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت آموزش زبان در تمامی برنامه‌های رادیو مستتر است، حتی اگر واقعاً چنین قصد و نیتی وجود نداشته باشد. رادیو همانگونه که دکتر آقاگل‌زاده اشاره می‌کند رسانه‌ای است که با توجه به شنیداری بودن آن، تمرکز و دقت مخاطب را (درخصوص متن) می‌طلبد و این تمرکز درست مانند آن است که روی تک‌تک کلمات و حتی سکوت‌ها ذره‌بین گذاشته باشند. آموزش زبان از طریق رادیو، آموزش تلویحی بوده و در اکثر موارد غیرارادی است. بنابراین پالودگی زبان رادیو امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. در سطح جامعه، انواع گفتمان‌های رایج را

می‌توان مشاهده کرد؛ از گفتمان‌های توصیفی گرفته تا انتقادی. ما به‌عنوان رسانه رادیو اگر خواسته باشیم گفتمان خاصی در جامعه شکل بگیرد، باید ضمن شناخت انواع گفتمان، جامعه را به سمت گفتمان موردنظر هدایت کنیم، اما قبل از آن باید ابعاد گفتمان موردنظر را بشناسیم. دکتر آقاگل‌زاده در مقاله اول کتاب خود معتقد است یکی از بهترین شیوه‌های ایمن‌سازی مخاطب در برابر همه اطلاعات و تبلیغات رسانه‌های بیگانه، اشاعه گفتمان انتقادی در جامعه است. در این زمینه رادیو و تلویزیون باید آگاهی از زبان‌شناسی انتقادی به مخاطبان را به روش آموزش تفکر انتقادی سرلوحه اهداف خود قرار دهند. وی بر این باور است که آموزش چنین تفکری مخاطب را از حالت انفعالی و بی‌دفاع به مخاطبی فعال و منتقد تبدیل می‌کند. این اتفاق، گرچه کار رسانه‌های داخلی را هم سخت‌تر می‌کند، اما مخاطبان آنها را از حالت مقلدان چشم و گوش‌بسته رسانه‌های خارجی، دور می‌سازد.

ممکن است این پرسش پیش بیاید که آیا زیبایی‌شناسی زبان مطرح است یا همین که معنای موردنظر منتقل شود کافی است؟ و آیا زبان و معنا را می‌توان تفکیک کرد؟ همانگونه که زبان‌شناسان می‌گویند و آقاگل‌زاده هم در کتابش بر آن تأکید کرده است، نگارش و ارائه زبان به گونه‌ای خاص، معنای خاصی را منتقل می‌کند. بنابراین تأکید بر ضرورت تحلیل گفتمان تنها جنبه زیبایی‌شناسی ندارد. به‌عنوان نمونه، در رادیو کلمات خاص و لحن بیان آنها معانی متفاوتی را به ذهن متبادر می‌کنند. همانگونه که مک‌لوهان اشاره می‌کند، رسانه خود پیام است. به همین دلیل رسانه رادیو حاوی پیام و معناست. اما برای اینکه دقیقاً معنای موردنظر ما را در بر داشته باشد، ضروری است که بر نظریه‌های مختلف زبان‌شناسی و مخاطب‌شناسی، وقوف داشته باشیم.

مجموعه این شناخت‌ها همان «تحلیل گفتمان» است. آقاگل‌زاده البته در کتاب خود بر جنبه‌های زبان‌شناختی تحلیل گفتمان پرداخته و بر آن تأکید کرده است.

در رابطه با حفظ و تقویت زبان فارسی به نظر می‌رسد گاهی تأکید افراطی بر حدود و ثغور زبان، آن را بیش از حد الکن می‌سازد. این نگرانی افراطی اغلب در مواجهه با رادیوهای

جوان و ورزش به چشم می‌خورد. درست است که گاهی ادبیات رایج در جامعه ورزش تحت تأثیر ادبیات غیرورزشی است، اما تلاش برای هماهنگ کردن ادبیات و زبان جامعه ورزش یا بخش جوان جامعه با زبان معیار گاهی بیش از حد وسواس‌گونه به‌نظر می‌رسد. توضیح آنکه اولاً فرض بر این است که مخاطبان هدف رسانه‌ای مانند **رادیو ورزش**، ورزشکاران هستند که انتظار می‌رود اصطلاحات ورزشی را بشناسند و با آن ارتباط گیرند، و ثانیاً دلیل نمی‌شود که ورزشکاران یا علاقه‌مندان به ورزش به‌عنوان نمونه، در گفت‌وگو با خانواده یا همسایگان یا اداره و یا سوپرمارکت از ادبیات ورزشی استفاده کنند. درخصوص رادیو جوان نیز اغلب نگرانی درخصوص واژه‌های لمپنی یا غربی وجود دارد؛ در حالی که این ادبیات و زبان اقتضات دوره سنی خاص است و به نوعی مرحله گذار از جوانی به میان‌سالی است. این را همه میان‌سالان می‌دانند.

بنابراین، آیا حساسیت بیش از حد در این زمینه به‌ایزوله‌شدن زبان و کاهش نقش ارتباطی آن با مخاطبان هدف نمی‌انجامد؟ به احتمال زیاد، همان جوان به‌طور غریزی می‌داند که در بانک یا مدرسه و یا هر جای رسمی دیگر نمی‌تواند از ادبیات ویژه جوانی استفاده کند. او به‌طور آگاهانه این زبان را تنها در مواجهه با هم‌سالان خود به‌کار می‌برد. بعید است که زبان ویژه **رادیو جوان** و یا **رادیو ورزش** زبان معیار را دچار انحرافات جدی کند؛ همان‌طور که زبان **رادیو فرهنگ** یا **رادیو قرآن** نیز باعث نمی‌شود همه فرهیخته و عرفانی گفت‌وگو کنند.

آنچه از طریق این پرسش از سوی نگارنده این مطلب موردنظر است، طرح مسئله درخصوص نگرانی‌ای است که یا مطرح نشده و یا تنها نگاه آماری و توصیفی به آن شده است. حال آنکه پاسخگویی به این ابهام، تحلیل‌های دقیق‌تری را می‌طلبد.

اگر فرض را بر این بگذاریم که نه زبان **رادیو ورزش** و **رادیو جوان**، زبان معیار را زبانی لمپنی و کوچه‌بازاری می‌کند و نه زبان **رادیو فرهنگ** و **قرآن** و... زبان معیار را فرهیخته و عرفانی، آنگاه انتقال معنا از شکل ظاهری زبان اهمیت بیشتری می‌یابد. منظور این نیست که هدف، وسیله را توجیه می‌کند، بلکه منظور آن است که در زبان رسانه خرده‌فرهنگ‌ها نیز

باید مورد توجه قرار بگیرند که این مهم فقط بر مبنای نظریات مخاطب‌شناسی میسر خواهد بود.

طرح این موضوع خود تحقیق و مقاله مستقلی را می‌طلبد که فعلاً به همین اشاره اکتفا می‌کنیم.

آقاگل‌زاده در کتاب **تحلیل گفتمان‌های رادیو** نکات بسیار ارزنده‌ای را در تحلیل گفتمان مدنظر قرار داده است که دقت در آنها ابهامات پایه‌ای بسیاری را روشن می‌کند؛ از جمله آنکه وی در مقاله اول کتاب خود به نقش‌های خواسته یا ناخواسته زبان اشاره می‌کند و با استناد به نظرون دایک می‌گوید: «تحلیل گفتمان تنها از طریق مطالعه ساختارهای متنی نیست، بلکه تحلیل زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و شناختی در بافت‌های خرد و کلان نیز ضروری است.» وی در این مقاله با تأکید بر نقش آموزشی رادیو معتقد است: «گفتمان‌های رادیو این قابلیت را دارند که متناسب با مخاطبان، آنها را با فرهنگ اندیشیدن به شیوه انتقادی تربیت نمایند و نیز آنها را در مقابل فریب‌های رسانه‌های مختلف ایمن کنند.» وی معتقد است اشاعه تفکر انتقادی، رشد مخاطب و رسانه را توأمان به همراه دارد. تعامل سازنده و دوجانبه میان رادیو و جامعه می‌تواند سبب خلاقیت رادیو و شکوفایی و نوآوری جامعه شود.

آقاگل‌زاده همچنین بر این باور است که آگاهی‌بخشی زبان‌شناسی انتقادی شنوندگان را نسبت به موضوع «عدالت» حساس می‌کند.

تعامل گفتمان رادیو با دیگر گفتمان‌ها
آقاگل‌زاده در مقاله دوم کتاب خود بر ضرورت توجه به گفتمان رادیو با دیگر گفتمان‌ها تأکید می‌ورزد و تأثیرات متقابل گفتمان‌ها بر یکدیگر را گوشزد می‌کند. وی در این زمینه با برشمردن گفتمان‌های خرد، میانی و کلان، درک ابعاد این سه سطح از گفتمان را ضروری دانسته، بر شناخت کارگزاران اجتماعی و شرکت‌کنندگان در گفتمان و موضوعات آن تأکید می‌کند.

آقاگل‌زاده، رادیو را گفتمانی در سطح خرد تلقی کرده که با گفتمان‌های میانی (جامعه) و کلان (حکومت) در تقابل است و متأثر از آنهاست. وی بر درنظرگرفتن موقعیت رادیو به لحاظ محلی، ملی و منطقه‌ای در تعیین گفتمان رادیو تأکید می‌کند و در سطح منطقه‌ای عنصر «غیریت»‌سازی یا رقیب‌سازی را به‌عنوان

عنصر شکل‌گیری و رشد گفتمان رادیو معرفی می‌کند. وی بر این باور است که هر گفتمان برای انسجام و وحدت در میان نیروهای خودی به گفتمانی رقیب نیاز دارد تا با موضع‌گیری در برابر دشمن هویت خود را برجسته‌تر سازد. آقاگل‌زاده راهکار پیروزی در این رقابت را نیز استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی می‌داند.

عامل دسترسی؛ نکته‌ای که باید در تحلیل گفتمان آن را در نظر گرفت

شنوندگان وقتی احساس کنند که رادیو، مسائل و خواسته‌هایشان را به درستی منعکس می‌کند، چنین رسانه‌ای را زبان گویای خود می‌انگارند و با آن ارتباط برقرار می‌کنند. بنابراین، در تحلیل گفتمان رادیویی و تنظیم آن نباید از این فرصت غفلت کرد.

قابلیت‌های علمی و هنری در تحلیل گفتمان رادیویی

یکی دیگر از عواملی که در تحلیل گفتمان رادیویی از نظر آقاگل‌زاده باید به آن توجه کرد، این است که قابلیت علمی و هنری برنامه باید متناسب با سطح مخاطب باشد. بهره‌گیری از علوم مرتبط با هر برنامه از قبیل یافته‌های علوم اجتماعی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، اطلاعات و فناوری، ادبیات فارسی و خلاقیت‌های هنری و متخصصان هر رشته از جمله نکاتی است که در تحلیل گفتمان رادیو باید ملاک قرار گیرند.

معایب دستوری و ویرایشی در تحلیل گفتمان

در این زمینه، بیشترین حساسیت و نگرانی از جانب ورود واژه‌های بیگانه است. گاهی به‌نظر می‌رسد تأکید بیش از حد بر ظاهر زبان، آن‌را از محتوا دور می‌کند.

به هر حال توجه به دستور و ظاهر زبان باید به گونه‌ای باشد که محتوا را تحت‌الشعاع قرار ندهد. آقاگل‌زاده در مقاله سوم کتاب خود، ضمن یادآوری نکات دستوری و نگارشی که در فرایند ارتباط اهمیت دارند، وظیفه اصلی زبان را ایجاد ارتباط می‌داند و معتقد است در این مسیر هر عنصری که به گونه‌ای مانع از برقراری یک ارتباط مؤثر شود، باید برطرف گردد؛ از موانع ساختاری زبان گرفته تا پیش‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ارتباط.

امید است که در پژوهش‌های آینده تحلیل گفتمان روشن شود که اگر وظیفه زبان ارتباط است، آیا ضروری است که همیشه بر زبان

معیار تأکید شود؟ منظور اشاره به زبان معیار خرده فرهنگ‌هاست.

نکته‌ای حائز اهمیت که آقاگل‌زاده به لحاظ زبان‌شناسی به آن اشاره می‌کند، درنظرگرفتن زبان به‌عنوان پدیده اجتماعی پویا و زنده است. به همین دلیل است که پرسش فوق پیش می‌آید. یعنی زبان معیار به‌طور سنتی جنبه ایستایی زبان را درنظر می‌گیرد؛ حال آنکه میل به خروج از زبان معیار احتمالاً به‌دلیل همین زنده‌بودن زبان و میل به تغییر و از همه مهم‌تر، برقراری ارتباط است. گرچه آقاگل‌زاده تأکید می‌کند زبان معیار باید منعطف باشد، اما در عمل کمتر با چنین انعطافی مواجهیم.

زبان و جنسیت در گفتار رادیو

آقاگل‌زاده در مقاله چهارم کتاب خود بر نقش «جنسیت» در شکل‌گیری نوع خاصی از گفتمان تأکید می‌ورزد و ابعاد روان‌شناختی آن را تحلیل می‌کند.

وی معتقد است حتی اگر متن یکسانی در اختیار گوینده زن یا مرد قرار بگیرد، باز نحوه اجرا و ارائه آن به‌دلایل ریشه‌های بیولوژیکی و اجتماعی متفاوت خواهد بود؛ زیرا زنان نسبت به رفتار زبانی خود حساسیت بیشتری از مردان نشان می‌دهند.

بنابراین اگر می‌خواهیم پیام خاصی به شکل خاص منتقل شود، توجه به تفاوت «جنسیت» در تحلیل گفتمان ضروری است.

تحلیل نقش رادیو در حفظ زبان معیار
آقاگل‌زاده در مقاله پنجم کتاب خود بر نقش رادیو در حفظ و گسترش زبان فارسی معیار تأکید می‌کند.

همان‌طور که در ابتدای این نوشته گفتیم، درخصوص تحلیل این نقش رادیو باید به این پرسش پاسخ بدهیم که آیا نقش رادیو تنها حفظ و گسترش زبان رادیوست؟

به‌نظر می‌رسد که این یکی از نقش‌های تلویحی و غیرمستقیم رادیوست که گاهی بیش از حد - حتی بیشتر از فرهنگستان زبان - روی آن تأکید می‌شود که نتیجه آن رفتن به سمت زبان کلیشه‌ای، غیرصمیمی و بی‌نهایت رسمی است، ضمن آنکه مشاهده می‌شود که خود گوینده و مجریان رادیو نیز در اثر این وسواس بیش از حد دچار مشکل شده‌اند و ناهماهنگی در برنامه‌های مختلف درخصوص رعایت زبان معیار هم شاید به همین دلیل باشد.

کلیشه‌ای‌شدن زبان جز در برنامه‌های خاص

مانند خبر یا برنامه‌های علمی مطلوب نیست و موجب قطع رابطه مخاطب با برنامه می‌شود. بنابراین در توجه به زبان معیار نباید دچار افراط و تفریط شد، بلکه در این زمینه بهترین روش، در نظر گرفتن موضوع برنامه و سطح مخاطب است.

آیا نمی‌توان در عین صمیمی حرف زدن مؤدب بود و انتقاد هم کرد؟

پرسشی که در این قسمت مطرح است آن است که آیا در همه برنامه‌ها می‌توان به یک سطح و یک میزان از زبان معیار استفاده کرد؟ و آیا الزامی در این زمینه وجود دارد؟ آیا می‌توان به بهانه رعایت و حفظ زبان معیار به معیارهای زبانی اصناف و گروه‌ها و پاسخ‌های مختلف اجتماعی مانند جوانان، ورزشکاران و ... بی‌تفاوت بود؟

البته نقش الگویی رادیو در زبان جامعه بر کسی پوشیده نیست، اما چیزی که در تحلیل گفتمان اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد، اخلاق ژورنالیستی یا اخلاق رسانه‌ای است که پژوهش‌هایی گسترده را می‌طلبد.

تحلیل سبک گفتار در تحلیل گفتمان

آقاگل زاده در مقاله ششم کتاب خود سعی دارد تا با استفاده از نظریه‌های زبان‌شناختی و ارتباطات، راه‌های جذب مخاطب و تأثیرگذاری برنامه‌ها و گفتمان‌های رادیویی را بررسی کند. وی معتقد است که با کاربرد هر یک از سبک‌های گفتاری می‌توان به مخاطب مورد نظر دسترسی پیدا کرد.

مؤلف از نظریه «نقض انتظار»، «روایت فیشر» و ژانری به عنوان «سبک‌های گفتاری» نام می‌برد که هر یک مخاطبان خاصی را جذب می‌کند. آنچه در این مقاله در تحلیل گفتمان اهمیت دارد، مشخص کردن سبک گفتاری و وفادار ماندن به آن برای سردرگم نشدن مخاطب است.

کاربرد راهبردهای کاربرشناسی زبان در گفتار رادیویی

مدتی طول می‌کشد تا این موضوع به لحاظ زبانی هضم و فهمیده شود. اساساً مشخص نیست وقتی صحبت از تحلیل گفتمان و زبان معیار است، به کاربرد چنین تیتیر ثقیل و ناهنجاری چه تناسبی دارد و چگونه در ذهن می‌ماند؟ به هر حال منظور آقاگل زاده از کاربرد راهبردهای کاربرشناسی زبان در گفتار رادیویی که در مقاله هفتم کتاب

تحلیل گفتمان رادیو آورده است، استفاده از کنش‌های گفتاری به عنوان کنش‌های ارتباطی و میانجی است که موجب تسهیل ارتباط با مخاطب می‌شود. کنش بیانی، کنش منظوری و کنش تأییری از جمله این کنش‌ها هستند که در قالب پاره‌گفت‌های مختلف ابراز می‌شوند.

آقاگل زاده معتقد است از طریق کنش‌های گفتاری می‌توان فرهنگ‌سازی و زبان معیار را متأثر کرد. ادب و آداب معاشرت مهم‌ترین محور کنش‌های گفتاری است. اینکه چگونه کلام را قطع کنیم، چگونه آغاز کنیم، چگونه سؤال بپرسیم و واکنش‌هایی از این قبیل، ضمن آنکه معیار خاص خود را دارد، شرط اساسی آن رعایت ادب است.

عوامل انسجام گفتمانی در برنامه‌های رادیو

آقاگل زاده در مقاله هشتم خود و در ادامه تحلیل گفتمان رادیو به نقش عوامل انسجام گفتمانی اشاره می‌کند. وی معتقد است که متن در حالت کلی باید از انسجامی مشخص برخوردار باشد و کمتر دچار پرش موضوعی و موقعیتی شود، وی عبارات و واژگان انتقالی، در نظر داشتن مفاهیم بنیادی و رعایت زاویه دید را از جمله عناصر انسجام گفتمان رادیویی می‌داند و تأکید می‌کند که مجریان برنامه‌های رادیویی باید با توجه به ساخت محتوایی برنامه و نوع مخاطب آن از تکیه کلام‌ها و عبارات قالبی‌شده مناسب استفاده کنند.

در نظر گرفتن تأثیر متقابل زبان رادیو و زبان جامعه در تحلیل گفتمان

آقاگل زاده یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات تحلیل گفتمان را در مقاله نهم خود تحت عنوان «تأثیر متقابل زبان رادیو و زبان جامعه» مطرح می‌کند.

اینکه کدامیک بر زبان دیگری تأثیر بیشتری دارد، بحث دامنه‌داری است که میان متخصصان حوزه‌های مختلف ارتباطات در جریان است. اما آنچه مسلم است و آقاگل زاده به خوبی به آن اشاره می‌کند، رابطه دیالکتیک میان آنهاست. اما اینکه دقیقاً کدامیک دارای اثر بیشتری است، واقعاً نمی‌توان با قاطعیت نظر داد.

آنچه حائز اهمیت است توجه به این نکته است که تأثیر زبان رادیو بر جامعه اغلب آگاهانه و با درایت است؛ حال آنکه جامعه برای تأثیر گذاری بر زبان رادیو و دیگر رسانه‌ها برنامه

خاصی ندارد، بلکه این امر فرایندی ناخودآگاه است. آقاگل زاده به این نکته اشاره می‌کند که در برنامه‌های ارتباط با گروه خاصی از جامعه مورد نظر است، استفاده از زبان آنها گریزناپذیر است و چه بسا کاربرد نداشتن زبان آنها، به عنوان زبان کوچه‌بازاری، موجب قطع رابطه میان مخاطب و برنامه می‌شود. هر چند در این زمینه باید جانب احتیاط را در نظر گرفت.

نقش عوامل زبانی و فرازبانی در گفتمان‌های رادیویی با تأکید بر گفتار دینی

آخرین موضوعی که آقاگل زاده در دهمین مقاله کتاب خود به آن می‌پردازد، نقش عوامل زبانی و فرازبانی در گفتمان‌های رادیویی است. وی در این زمینه بر گفتار دینی تأکید می‌کند. در این مقاله آقاگل زاده معتقد است با در نظر گرفتن سفارشات دینی در باب گفت‌وگو، می‌توان گفتمانی جذاب، منسجم و فاقد ابهام طراحی کرد.

وی پرهیز از زیاده‌گویی، داشتن صداقت، تواضع، همدلی، امانت‌داری، رعایت ادب و نگاه داشتن حریم دیگران و موارد فراوان دیگر، از جمله سفارشات قرآن ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را برمی‌شمرد که کاربرد آنها در گفتمان رادیویی می‌تواند گفتمان را به لحاظ کمیت و کیفیت و حفظ توازن و آگاهی بخشی به نحوی مطلوب تحت تأثیر قرار دهد. البته در کنار اینها، میزان اطلاعات و تحصیلات نویسندگان، تهیه‌کنندگان و مجریان رادیویی نیز باید ملاک عمل باشد.

در خاتمه، باید به این نکته اشاره کنیم که تحلیل گفتمان رادیویی ابعادی مختلف دارد که تحلیل گفتمان بر پایه راهبردها و نظریه‌های زبان‌شناختی یکی از ابعاد و روش‌های آن است که اتفاقاً مبنای‌ترین شیوه در تحلیل گفتمان رادیویی است. شایسته است ایستگاه‌های مختلف رادیویی صدای جمهوری اسلامی با ایجاد فضا و فرصتی برای این مهم به تناوب برنامه‌های خود را در معرض تحلیل گفتمان قرار دهند تا ضمن بالابردن غنای برنامه، بتوان مخاطب را برای گفتمان انتقادی که به زعم نگارنده کتاب تحلیل گفتمان‌های رادیو مطلوب‌ترین گفتمان در جهت رشد و بالندگی جامعه و رادیو به صورت توأمان است، تربیت و هدایت کرد.